

فصل اول

«نکته ادبی، زبانی، معنی و مفهوم بخش ستایش»

نظامی گنجه ای:

از شاعران نامدار قرن ششم.

داستان پردازی در آثار نظامی به اوج خود رسیده است.

از آثار اومی توان به «مخزن الاسرار - لیلی و مجنون - خسرو شیرین - هفت پیکر - اسکندرنامه» اشاره کرد.

قالب شعر: شومی

ای نام تو بهترین سرآغاز

بی نام تو نامه کی کنم باز

واژه بی هم: نامه: در اینجا به معنی کتاب شاعر است.

دانش زبانی: ای: حرف ندا - خدا منادا (محذوف) // بیت ۳ جمله دارد (۱- ای خدا منادا) ۲- نام تو بهترین سرآغاز است

۳- بی نام تو نامه کی کنم باز

منادا: اسمی که مور خطاب قرار می گیرد گاهی همراه حرف ندا (ای-ای یا) «یا حسین - حافظا - ای خدا»، گاهی هم بدون حرف ندا «مریم بیا»، که مریم منادا است.

دانش ادبی: در مصراع دوم از آرایه استفهام انکاری استفاده شده / قافیه: سر آغاز و باز

قافیه: کلماتی که در آخر مصراع ها می آید و در حروف آخر یکسان اند (قافیه برای شعر اجباری است)

ردیف: کلماتی که در آخر مصراع ها بعد از قافیه می آیند و عینا یکسان هستند (ردیف برای شعر اختیاری است)

استفهام انکاری: زمانی که شاعر سخنش را به شکل سوال مطرح می کند ولی قصد او دریافت جواب نیست و جواب همیشه منفی است و به عبارتی شاعر یک جمله خبری را به شکل جمله پرسشی مطرح می کند و هدف او تکذیب و انکار است.

معنا و مفهوم: ای کسی که نام تو بهترین سر آغاز برای شروع هر کاریست من بدون نام تو این کتاب را آغاز نمیکنم.

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

واژه های مهم: مونس: همدم و یار / روان: جان و روح .

دانش زبانی: ای: حرف ندا / خدایی که: منادا (محدوف) / بیت ۳ جمله دارد

دانش ادبی: روانم و زبانم: قافیه

معنا و مفهوم: ای خدایی که یاد تو همدم روح و جان من است من فقط نام تو را بر زبان می آورم (فقط تو را یاد می کنم)

ای کارکشای هر چه بستند نام تو کلید هر چه بستند

واژه های مهم: کارگشا: مشکل گشا، آسان کننده کارها

دانش زبانی: ای: حرف ندا / کارگشا: منادا

دانش ادبی: نام تو مانند کلید است: تشبیه

معنا و مفهوم: ای خدایی که مشکلات را برطرف می کنی نام تو کلید حل تمام مشکلات است

ای هست کن اساس، متی کوزه زودت درازدستی

واژه های مهم: هست کن: بوجود آورنده / اساس: پایه و بنیان / کوزه: مخفف کوتاه / درت: درگاه خداوند / درازدستی: ظلم و ستم و

زورگویی

دانش زبانی: ای: حرف ندا / هست کن: منادا / فعل است از آخر مصراع دوم حذف شده

دانش ادبی: هستی و درازدستی: قافیه / واج آرایه حرف «س»

واج آرایه: تکرار یک حرف یا یک مصوت در شعر یا نثر که باعث گوش نوازتر شدن موسیقی شعر شود را واج آرایه میگوییم

معنا و مفهوم: ای کسی که تمام هستی را بوجود آورده ای کسی نمی تواند به تو ظلم و ستم کند (یا می توان گفت در درگاه تو به کسی

ستم نمی شود)

هم قصه ناموده دانی

واژه های مهم: ناموده: پنهان و نشان داده نشده / نا نوشته: نوشته نشده

دانش زبانی: قصه ناموده و نامه نا نوشته مفعول

دانش ادبی: دانی و خوانی: قافیه / واج آرایه حرف «ن»

معنا و مفهوم: ای خدایی که هم قصه ها و داستان های پنهان را می دانی و هم از کتاب های نوشته نشده باخبری

هم توبه عنایت الهی

واژه های مهم: عنایت: توجه

دانش زبانی: قدمم: مفعول / رسان: فعل امر

دانش ادبی: الهی و خواهی: قافیه

معنا و مفهوم: خداوندا با لطف و محبت خداوندیت مرا به آنجایی برسان که خودت می پسندی.

از ظلمت خود ربایی ام ده

واژه های مهم: ظلمت: تاریکی

دانش ادبی: ظلمت و نور: تضاد / خود در مصراع اول انسان است و در مصراع دوم خداوند است / تکرار واژه خود /

معنا و مفهوم: خدایا مرا از تاریکی های درونم (گناهان) نجات بده و با نور و روشنایی وجود خودت آشنا کن.

خواجہ عبداللہ انصاری:

معروف بہ سیر حرات، از شاعران نویندگان قرن ۵، نثر خواجہ عبداللہ، سنگین و مستح است، از آثار ایشان می توان به «الهی نامه و مناجات نامه» اشاره کرد.

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم،

واژه های مهم: دل: شہامت، جرات

دانش زبانی: دل: مفعول

دانش ادبی: جان باختن: کنایه از فدا کردن جان / بازیم و سازیم: سجع

کنایه: هرگاه نویسنده یا شاعر درباره امری، پوشیده سخن بگوید، به طوری که معنای ظاہری عبارت مد نظر نباشد و معنای دورتر آن منظور وی باشد، میگوییم به کنایه صحبت شده است؛

مثال: «دستگیر» ۱- معنای نزدیک: دست کسی را گرفتن ۲- معنای دور: یاری کردن

سجع: به کلمات هم آهنگ و موزونی که در آخر دو جمله یا عبارت می آیند را سجع می گویند.

معنا و مفهوم: خدایا به ما شہامت و جراتی بده که در راه تو جانمان را فدا کنیم و جانی بده که با نیروی آن آخرتمان را بسازیم

دانایی ده که از راه نیستیم، بینایی ده تا، در چاه نیستیم،

واژه های مهم: دانایی: آگاهی / بینایی: بینش و بصیرت / راه در اینجا به معنی راه مستقیم و درست است و چاه به معنی گمراهی است

دانش ادبی: راه و چاه: تضاد / راه و چاه: سجع / در چاه نیفتیم: کنایه از اینکه گمراه نشویم

معنا و مفهوم: خدایا به ما دانایی و آگاهی بده که از راه درست منحرف نشویم و بینش و بصیرتی بده تا گمراه نشویم

دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم،

واژه های مهم: دست گیر: یاری کن / دست آویز: هر آنچه از آن کمک می گیرند / توفیق: موافقت، سازگاری / استوار: محکم

دانش ادبی: دست گیر: کنایه از کمک کردن

معنا و مفهوم: بارالها، ما را یاری کن؛ زیرا کمک کننده ای غیر از تو نداریم، این امکان را برای ما فراهم کن که در راه دین پایدار باشیم.

نگاه دار تا، پریشان نشویم

واژه های مهم: نگاه دار: مراقب باش / پریشان: آشفته و نگران

دانش ادبی: نگاه دار: کنایه از اینکه مراقبمان باش

معنا و مفهوم: مراقبمان باش تا پریشان و آشفته حال نشویم

لغت های مهم:

۱. سر آغاز: اول هر چیز، آغاز
۲. نامه: در اینجا به معنی کتاب شاعر است
۳. مونس: همدم
۴. روان: جان و روح
۵. کارگشا: حل کننده مشکلات، آسان کننده کارها
۶. هست کن: بوجود آورنده
۷. اساس: بنیاد، پایه
۸. کوتاه: مخفف کوتاه
۹. درازدستی: ستمگری و زورگویی
۱۰. نانموده: آشکار نشده و پنهان
۱۱. نانوشته: نوشته نشده
۱۲. عنایت: بخشش، لطف، توجه
۱۳. ظلمت: تاریکی
۱۴. دانایی: خردمندی
۱۵. بینایی: توانایی درک حقیقت
۱۶. دست آویز: آنچه از آن کمک می گیرند
۱۷. توفیق: سازگاری، کامیابی، مدد الهی
۱۸. استوار: محکم
۱۹. نگاه دار: مراقب و پشتیبان باش
۲۰. پریشان: آشفته و نگران